

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش پیامبران علیهم السلام در هدایت انسان

درسهایی از اصول دین، شماره نه

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۳

نام جزوه: نقش پیامبران در هدایت انسان

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

نگاهی به درسهای گذشته. **Error! Bookmark not defined.**

عدالت چیست؟ **Error! Bookmark not defined.**

رمز اختلاف و نشیب و فراز درزندگی انسان. **Error! Bookmark not defined.**

رمز اختلاف در جهان خلقت. **Error! Bookmark not defined.**

بهره گیری از همه سوی زندگی. **Error! Bookmark not defined.**

آفرینش انسان برای چیست؟

آیا خدا بشر را آفرید تا در نظام تولید، چون مهره‌ای در ماشین باشد و تنها انسانی صنعتی به حساب آید؟
آیا آفرینش انسان تنها برای لذت بردن اوست؟
یا برای این که از راه‌های پیدا و پنهان هر چه بیشتر ثروت بپندوزد و چراغ خواست‌های مادی خویش را برافروزد؟

و یا... آیا ایده‌ای والاتر در بین نیست؟

گروهی بی‌شمار چون ژرفای منش و حقیقت انسان را دریافته یا ارزیابی نکرده‌اند، تنها جنبه‌ی مادی او را به نظر آورده و از آن سوی سگه‌ی پراج غافل مانده‌اند.

انسان شناسان بصیر می‌گویند زندگی انسان سه

بعد مهم دارد:

۱ - زندگی شخصی مادی

۲ - زندگی اجتماعی

۳ - جهان روح و معنا

آن‌ها که به بعد اول چشم دوخته‌اند و برای

انسان آزادی مطلق قائلند - اگرچه این آزادی برای

انسان زیانمند باشد، از شخصیت شگرف انسانی

غافل مانده و دو بعد مهم او را از چشم انداخته‌اند.

و نیز آنان که به دو بعد اول و دوم چشم

دوخته‌اند و به بعد سوم نظر ندارند محیطی به وجود

می‌آورند که فاقد ارزش‌های اصیل اخلاقی و معنوی

است.

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۷

«توین بی» جامعه‌شناس و مورخ بزرگ
انگلیسی در مصاحبه‌ای بلند، به خبرنگار مجله‌ی
لایف گفته است:

«ما خود را تسلیم طبیعت مادی کردیم و در
نتیجه از جهت حس مادی بی‌نیاز گشتیم اما از نظر
معنوی مستمند و محتاج شده‌ایم؛ اما من بر آنم که
هنوز فرصت باقی است که از آن راه نادرست
بازگردیم و به مذهب گراییم»^۱.

پس پژوهشگر ژرف‌نگر و مآل‌سنج، پا را فراتر
از دو بعد اول و دوم می‌نهد و انسان و هدف او را از
آفریده شدن در مجموع «سه بعد»، در می‌نگرد و
مطالعه می‌کند چون حقیقت و واقعیت انسان همین

است و در غیر این صورت انسان آن طوری که باید شناخته نشده است اضافه بر این در نظر گرفتن بُعد سوم می‌تواند به انسان قدرت محاسبه‌ای در ورود به میدان زندگی شخصی و اجتماعی و خروج از آن، ببخشد و ایده آل صحیح نیز همین است. پس انسان می‌باید به سوی تکامل همه‌جانبه‌ی خود پای بکشد و راه آن را بشناسد چون اساساً برای همین منظور آفریده شده است. اکنون جای این پرسش است که آیا وجدان و فطرت می‌تواند انسان را در هر سه بعد رهنمون باشد؟

برای یافتن پاسخ به تحلیل می‌نشینیم:

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۹

وجدان و فطرت

گروهی از روانشناسان وجدان را انکار می‌کنند و آنچه را ما فطرت می‌نامیم، معلول تربیت‌های نخستین دوران کودکی می‌پندارند.

در برابر، دانشمندان بسیاری چون ژان ژاک روسو^۱ برآنند که در ژرفای وجود بشری، نیرویی نهفته است که می‌تواند خوبی‌ها و بدی‌ها را بازشناسد. کودکانی که هنوز رنگ محیط نگرفته‌اند و وجدانشان انحراف نیافته است، اصالت خوبی‌ها و

۱. روسو می‌گوید: بر فرض که نتوانیم با طبیعت خود اصل و ماهیت وجدان را دریابیم، اما یک چیز در درون ما شهادت می‌دهد که آن حتماً در ما وجود دارد. امیل صفحه ۲۰۷.

بدی‌ها را درک می‌کنند بدانسان که می‌دانند خوبی‌ها و بدی‌ها قراردادی نیست.

می‌پذیریم که دسته‌ای از نیکی‌ها و زشتی‌ها تابع عادات و رسوم است. چنان‌که پوشیدن نوعی لباس خوردن نوعی غذا و ... در یک محیط و یک زمان، خوب و همان، در محیط و زمان دیگر بد بشمار می‌آید. اما هرکس که از خرد توشه‌ای برده و عنان بینش خویش به عقل سپرده نمی‌تواند همه‌ی خوبی‌ها و بدی‌ها را از آن دسته بداند چرا که امانت و دادگری و وفاء به پیمان و کمک به مستمندان و خدمت به جامعه، برادری و برابری و جز آن... ریشه‌های عمیق درونی و وجدانی دارند و در برابر: ستمگری، پیمان‌شکنی، خیانت، خودبینی و جز آن در

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۱۱

همه‌ی محیط‌ها و همه‌ی زمان‌ها زشت بوده است و خواهد بود و نمی‌توان زشتی و بدی آن‌ها را قراردادی تلقی کرد.

پس باید به وجود فطرت اعتراف کرد. اما با این یادآوری لازم: که وجدان به‌تنهایی نمی‌تواند انسان را به‌طور کامل راهنمایی کند، چرا که وجدان و فطرت محتاج پرورش است و چون معادن: باید کشف و پرداخت گردد و گرنه بسا که انحراف می‌یابد و تحت تأثیر محیط‌های فاسد آن‌چنان تغییر می‌کند که عده‌ای از روانشناسان آن را بازنمی‌شناسند و وجود آن را انکار می‌کنند و این یک رمز نیازمندی بشر به پیامبران معصوم است.

ایدئولوژی‌های بشری

بشر از چند قرن پیش از میلاد مسیح تاکنون، ایده‌های گوناگونی برای اصلاح جامعه و فرد پیشنهاد کرده است اما چون آدمی به رازهای سعادت همه‌جانبه‌ی روحی و مادی آگاهی کامل ندارد و مجهولات او بسیار است. هیچ‌گاه نتوانسته ایده‌ای ارائه کند که تمام خواسته‌های منش عمیق انسانی را پاسخگو باشد.

دکتر «پیلربروز» می‌گوید: چند سال پیش در

پرنتون از انیشتاین شنیدم که می‌گفت:

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۱۳

علم ما را از آنچه هست آگاه می‌سازد اما دین - وحی - است که ما را از آنچه «باید باشد» مطلع می‌کند.^۱

«ویکتور هوگو» می‌گوید: بشر هر چه بیشتر ترقی کند، احتیاجش به دین زیادت‌ر می‌گردد.^۲

اشکال مهم دیگر در فرا راه عقول بشر و ایدئولوژی‌ها این است: آنچه را عقل دریابد، به فرض صحت کامل، ضامن اجرا ندارد. بسیاری از مردم با آنکه به براهین عقلی و علمی به فساد الكل، قمار،

۱. فایده و لزوم دین، ص ۵، به نقل از «الثقافه الاسلامیه»، مقاله‌ی دکتر پیلربروز، تحت عنوان علاقه بین دین و علم در اسلام.

۲. فایده و لزوم دین، ص ۸، به نقل از آیین سخنوری، ج ۲، تألیف و ترجمه‌ی ذکاء الملک فروغی.

دزدی، جنایت و... پی برده‌اند، اما در همان حال بدان مبتلایند.

امروز می‌نگریم که: سازمان ملل با بیش از ۱۲۰ عضو از بین ملل جهان، هنوز ناتوان است و پیشنهادهایش چه بسیار که از امروز نوشته‌ها در نمی‌گذرد چرا که عقل و اندیشیده‌های عقلی بشر ضامن اجرا ندارد و آنچه را خود قبول دارد بدان پای بند نیست.

اما برنامه‌های آسمانی چون از سرچشمه‌ی دانشی بی‌آغاز و بی‌انجام است و هیچ‌گونه گمان خطایی در آن‌ها راه نمی‌یابد، و نیز چون خاستگاه آن قلب پاک پیامبران است؛ اثری بیشتری دارد.

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۱۵

علاوه: پاداش و کیفرهایی که برای انجام یا ترک آن‌ها مقرر شده، آن برنامه‌ها را عملی‌تر می‌سازد، پس عقل و اندیشه به‌تنهایی هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارد و باید آنچه درک می‌کند با نیروی غیبی تأیید گردد.

به همین جهت، وجدان و اندیشه نمی‌تواند انسان را به سعادت راهنمون باشند. و تنها زمینه‌هایی هستند که با الهام از برنامه‌های ملکوتی پیامبران، باید پرورش یابند تا بی‌انحراف و باژگونی، بشر را به نیکبختی برسانند.

حضرت علی (علیه‌السلام) در نخستین خطبه‌ی نهج‌البلاغه در انگیزه‌ی برانگیختگی پیامبران می‌فرماید: خداوند پیامبران را فرستاد تا نعمت‌های

فراموش شده‌ی او را یادآورند و اندیشه‌ها و خرده‌های پنهان شده را آشکار سازند و به کار اندازد.^۱

تازه به فرض که بشر بتواند ایدئولوژی درستی داشته باشد مگر زورداران و قلداران عالم می‌گذارند مردم حق را از باطل بشناسند بلکه با مقاله‌ها و نوشته‌ها و دیگر چیزها، چهره‌ی واقعی ایدئولوژی صحیح را می‌پوشانند تا مردم نتوانند ایدئولوژی صحیح را تمیز بدهند و زیر بار آن‌ها بروند.

اما به عکس، قانونی که از طرف خدا باشد مردم می‌توانند با معجزات و نشانه‌های صدق و راستی که خداوند در دست پیامبران جاری ساخته است حقیقت و درست بودن آن را بشناسند و به آن بگردند و

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۱۷

حجّت بر همه حتّی آنان که مخالفت می‌کنند تمام گردد و نتوانند به بهانه‌ی این که حق را نمی‌شناختیم بر سرپیچی خود عذری و بهانه‌ای بیاورند.

لزوم بعثت پیامبران

چون:

الف - کمال یافتن بشر از همه نظر: شخصی،

اجتماعی و معنوی از هدف‌های آفرینش است.

ب - فطرت و وجدان تنها، برای تکامل واقعی

بشر کافی نیست.

ج - ایدئولوژی‌های بشری نمی‌تواند به همه‌ی

خواسته‌های منش ژرف انسانی، به‌طور کامل پاسخ

گویند و نیز ضامن اجر ندارد.

د - با آمدن پیامبران و ثابت شدن پیامبری آنان به وسیله‌ی معجزات، حق از باطل برای همه شناخته می‌گردد و کسی نمی‌تواند به بهانه‌ی اینکه حق را تشخیص نداده برای سرپیچی خود عذری بیاورد.

در می‌یابیم که آمدن پیامبران برای کمال یافتن انسان ضروری است. و رمز این‌که پیامبران برانگیخته شده‌اند همین است که آنچه را که انسان‌ها در سیر تکاملی خویش نیازمندند به وسیله‌ی آن گرامیان آگاه گردند تا در راه نیک بختی واقعی گام بگذارند و هرگز این تصور نمی‌رود که خدای حکیم بشر را بدون برنامه و قانون و تکلیف در این جهان رها کند و یا او را به دست زور در آن عالم بسپارد تا

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۱۹

او را به سوی خواسته‌های پوچ و باطل خود بکشانند
و از تکامل واقعی بازدارند.

بوعلی در شفا می‌نویسد:

نیاز به بعثت پیامبران در بقاء انسان و به دست
آوردن کمال‌های وجودی‌اش از روییدن موه‌های
مژگان و ابرو و فرورفتگی کف پاها به‌طور مسلم
بیشتر است.^۱

پس در رسیدن به هدف آفرینش و تکامل مادی
و معنوی آفریدگار بزرگ می‌بایست کسانی را در مقام
پیامبری فرستاده باشد که از آغاز آفرینش فرستاده
است تا با مشعل فروزنده‌ی وحی مردم را هدایت
کنند.

۱ . الهیات کتاب شفا، فصل نبوت.

هشام بن حکم می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام در پاسخ «یک بی‌اعتقاد به وجود خدا» که پرسید (لزوم بعثت و صحت نبوت) پیغمبران را از کجا ثابت کردی؟

فرمود:

وقتی ثابت کردیم که ما را آفریدگاری است منزّه از (صفات) همه‌ی آفریدگان، حکیم و والاتر و فراتر (از هرگونه صفات آفریدگان) و مردم نمی‌توانند او را ببینند یا لمس کنند یا با او به بحث و گفتگو پردازند (و وظیفه‌ی خود را از وی بپرسند) ثابت می‌شود که باید در میان مردم سفیران و نمایندگان داشته باشد تا میان او و بندگانش واسطه باشند و ایشان را به آنچه سود و صلاح آنهاست و بقا و

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۲۱

فناى ایشان به انجام دادن یا ندادن آن بستگی دارد، راهنمایی کنند.

پس (لزوم وجود) امر و نهی‌کنندگان و واسطه‌هایی از جانب خداوند دانا و حکیم که در میان مردم ثابت باشند؛ حتمی است و آنها همان پیامبران و برگزیدگانند که خداوند ایشان را با حکمت خویش ادب آموخته و با آن برانگیخته است و با آنکه در خلقت و ترکیب مانند سایر مردمنند در هیچ‌یک از حالات روحی - خود با ایشان شریک نیستند و (همواره هم) خداوند حکیم و دانا با حکمت تأییدشان فرموده و (معصوم نگه‌داشته) است.

سپس باید دانست که راه شناسایی پیامبران و راست‌گویی مدعیان نبوت در هر عصری به همان

دلیل‌ها و براهین و نشانه‌های صدق (و معجزاتی) است که می‌آورند تا زمین از حجّتی راستین (همراه با نشانه اعجازی که گواه صدق گفتار و رفتار عادلانه‌ی او باشد) خالی نماند.^۱

البته برنامه‌های آسمانی بر محور ویژه‌ای متکی نیست در همه سو راه می‌نماید:

حکومت، عدالت، اقتصاد، سیاست، اخلاق، حکمت، پاکی، شرافت، برادری، محبّت، مساوات، هدایت، تربیت، دانش، قدرت، وظیفه‌های فردی، اجتماعی، عبادت و نیز قوانین کلی که روشنگر مسائل جزئی است... همه و همه در ایدئولوژی‌های ادیان به‌ویژه برنامه‌های نهایی، مقصد و هدف می‌باشد

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۲۳

و بر اساس انسان را چنان می‌سازد که در سه بعد
منش خود بتواند به حد کمال برسد.^۱

و نیز ایدئولوژی آسمانی نظر به یک طبقه
ندوخته بلکه در آن همه‌ی طبقه‌ها منظور است و از
حقوق همه‌ی انسان‌ها جانبداری می‌کند. پس آنان که
در این پندارند که دین ساخته‌ی طبقه‌ی حاکمه و
ثروتمندان است و جوامع فئودال یا کاپیتال^۲ برای
حفظ منافع خود آن را اختراع کرده‌اند، در اشتباه
هستند و چنین کسان به مطالب دینی و ریشه آن با
دقت توجه نکرده‌اند. علاوه، تاریخ گواه زنده‌ای است

۱. البته منظور برنامه‌های آسمانی و ادیانی است که تحریف

نشده و صد در صد الهی باشد.

۲. فئودالیسم یا زمین‌داری، کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری.

بر این که طبقه‌های اشراف و ثروتمند در نهضت پیامبران خدا دخالت نداشته‌اند بلکه همواره دین‌های آسمانی با ستم‌ها و تجاوزهای فئودالیست‌ها و کاپیتالیست‌ها مبارزه کرده است.

زامداران، دانشمندان، روستاییان، تهی‌دستان و دیگران و همه، به دین از آن جهت روی می‌آورند که خواسته‌های فطری و عاطفی خود را تنها در برنامه‌های روشن آن می‌یابند و درمی‌یابند که تنها دین است که می‌تواند همه‌ی آن‌ها را به کمال واقعی برساند.

گرایش بشر به دین رمزی جز این ندارد. خوشبختانه امروزه دانشوران، ارزش دین را بیشتر دریافته‌اند و معتقدند که آرامش راستین و

درسهایی از اصول دین، شماره نه / ۲۵

زندگی کامل را باید در سایه‌ی دین و ایمان به خدا به دست آورد.

لزوم معجزات

پس از آن‌که بشر دانست برای رسیدن به سعادت همه‌جانبه‌ی خود، احتیاج شدید به راهنمایی پیامبران دارد و تنها در پناه برنامه‌ها و کوشش‌های آنان است که بنای عظیم و جاودانی تکامل و ترقّی انسان پی‌ریزی می‌شود، قهراً نسبت به آن مربّیان خیرخواه و رهبران فداکار و معصوم در قلب خویش احساس ایمان توأم با ارادت و محبّت می‌کند.

و این ارادت و ایمان به‌جایی می‌رسد که مردم در راه پیشبرد اهداف انبیاء از هیچ‌گونه فداکاری دریغ

نخواهند داشت و چه بسا خواسته‌های آنان را بر خواسته‌های خود مقدم می‌دارند.

اما همین حکومت و نفوذ بسیار وسیع و ریشه‌دار پیامبران و محبت و ایمان مردم نسبت به آنان، گروهی از جاه‌طلبان را به فکر سوءاستفاده می‌اندازد تا از راه ادعای نبوت و پیامبری صاحب نفوذ شوند و به امیال نفسانی خود برسند.

بنابراین اگر کسی ادعای نبوت کرد و عده‌ای هم اطراف او جمع شدند، نباید بدون تحقیق به او ایمان آورد چون ممکن است به دروغ ادعای پیامبری نموده باشد چنان‌که تاکنون افراد زیادی چنین ادعایی نموده‌اند و گروهی هم دور آنان را گرفته‌اند.

درس‌هایی از اصول دین، شماره نه / ۲۷

برای اینکه حقانیت و راست‌گویی کسی که ادعای نبوت می‌کند معلوم گردد لازم است که شاهدی بر پیامبری خود بیاورد تا مردم به گفته‌ی او اطمینان پیدا کنند و ادعای او را بپذیرند و بدین‌وسیله پیامبران واقعی، از مدعیان نبوت ممتاز و جدا گردند. این شاهد و نشانه که موجب شناخته شدن پیامبران حقیقی است معجزه نامیده می‌شود و خدای متعال برای این‌که بندگان در اشتباه نیفتند و از شرّ شیادان در امان باشند به انبیاء و فرستادگان خود معجزه عنایت کرده است تا چهره‌ی حقیقت به هیچ‌وجه برای مردم پوشیده نماند.

تا اینجا دانستیم که پیامبران الهی باید دارای معجزه باشند تا عموم مردم بدانند که آن‌ها از سوی

خدا هستند و آنچه می‌گویند راست است تا با
خاطری آسوده به دستورات او گوش فرا دهند و
تعلیماتش را از روی عقیده و ایمان به مرحله‌ی اجرا
گذارند.

معجزه چیست؟

معجزه یعنی کارهایی که پیامبران به اراده و مشیت
خدا برای اثبات راستی ادعای رسالت خود انجام
می‌دهند و دیگران از انجام آن ناتوانند.

معجزه فقط برای اثبات رسالت

گروهی از مردم بهانه‌جو، نه به‌منظور اثبات رسالت
بلکه به خاطر عناد و به‌عنوان مبارزه و معارضة با
پیامبران از آنان می‌خواستند که به‌عنوان اعجاز چنین

درس‌هایی از اصول دین، شماره نه / ۲۹

و چنان کنند و حتی گاهی کارهایی که محال عقلی است انجام دهند ولی چون پیامبران برای اثبات رسالت خود به حد کافی معجزه آورده بودند به خواسته‌ی آنان پاسخ نمی‌دادند و به آنان می‌فهماندند که شأن پیامبران هدایت و بشارت و انذار است لذا به اذن خدا و خواست او در موارد لازم آورده می‌شود چنان‌که در قرآن کریم در پاسخ همین افراد می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ^۱

بگو من فقط بیم دهنده‌ای آشکارم و آیه‌ها و نشانه‌ها نزد خدا - و به دست او - است. و نیز می‌فرماید:

...وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيََ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...

۳۰ / نقش پیامبران علیهم‌السلام در هدایت انسان

هیچ رسولی این حق را نداشت که آیه - و
معجزه‌ای - را بدون اذن خدا بیاورد.^۱

پایان

۱. سوره‌ی مؤمن، آیه‌ی ۷۸.